

پیامدهای قدرت نرم عربستان سعودی برای جمهوری اسلامی ایران

محمد اولیایی^۱

زاهد غفاری هشجین^۲

عباس کشاورز شکری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

چکیده

زمینه وهدف: پس از انقلاب اسلامی، روابط ایران و عربستان سعودی از شکل متحدین راهبردی به صورت رقبای راهبردی درآمده است. غالباً اندیشمندان علوم سیاسی جنبه های سخت این رقابت را مدّ نظر قرار داده اند. اما پس از ارائه مفهوم قدرت نرم در مجامع دانشگاهی، ضروری است تحلیلگران در پی شناسایی تهدیدهای قدرت نرم عربستان علیه ایران باشند. لذا هدف در این مقاله تحلیل پیامدهای قدرت نرم عربستان برای ایران است.

ضرورت و پرسش: این پژوهش از حیث سلبی تهدیدهای قدرت نرم عربستان را تجزیه و تحلیل می کند و از حیث ایجابی مقدمات بکارگیری راهبرد علیه پیامدها را فراهم می کند. بنابراین این پرسش مطرح است که قدرت نرم عربستان سعودی چه پیامدهای برای جمهوری اسلامی ایران دارد؟

فرضیه و روش: نویسندگان با استفاده از روش کیفی و در قالب روش تحلیل اسنادی، این فرض را مطرح می کنند که منابع قدرت نرم عربستان در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از معیارهای قدرت نرم به دور هستند و بیشتر به قدرت سخت می مانند.

دستاوردها: منابع اقتصادی قدرت نرم عربستان (نفت به عنوان ابزار و منبع) (۱) استفاده از ابزارهای نفتی به جهت ایجاد فشار درونی و کاهش اثرگذاری بیرونی جمهوری اسلامی ایران (۲) تامین منابع مورد نیاز به منظور تقویت جریان سلفی و تکفیری در منطقه در حوزه سیاسی، منابع قدرت نرم آل سعود (قائل شدن نقش ام القرا برای خود و حفظ سیستم پادشاهی)، (۱) باعث تلاش برای تضعیف متحدین ایران در منطقه و (۲) تفرقه بین شیعه و سنی داخل کشور می شود. در حیطه منابع قدرت فرهنگی عربستان (وهابیت و دیپلماسی فرهنگی) (۱) باعث هجمه های رسانه ای علیه ایران در منطقه و (۲) ترویج وهابیت می شود. یافته ها و نوآوری: پژوهش های انجام شده در موضوع قدرت نرم عربستان سعودی، عمدتاً در رابطه با جمهوری اسلامی ایران نبوده و مؤلفه منابع اقتصادی در آن وارد نشده بود از این رو سنجش نظری پیامدهای قدرت نرم عربستان علیه ایران در این پژوهش حاکی از آن است که آنها بیش از آن که ماهیتی نرم داشته باشند، ماهیتی سخت دارند. لذا از کارایی لازم برخوردار نیستند.

واژه های کلیدی: ایران، عربستان، قدرت نرم، منابع اقتصادی، منابع سیاسی، منابع فرهنگی، پیامدها، کارایی.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. m.oliaei64@gmail.com

۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) z_ghafari@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. abask83@gmail.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراستک آکادمی اسلامی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۲۷

تحلیل گفتمان سیاسی دولت یازدهم - جمهوری اسلامی...

مقدمه

قدرت از مفاهیم اساسی و بنیادین در حوزه سیاست است که پیشینه آن را می توان به درازای تاریخ و از زمان پیدایش بشر در نظر گرفت. انسان برای تامین نیازهای خود همواره به قدرت نیاز داشته و نمی توان برای تنازع بر سر آن، پایانی متصور بود. در تعریف مفهوم قدرت دیدگاه یکسانی وجود ندارد، به ویژه در بعد سیاسی آن به شکلی معماگونه و با ماهیتی دارای تناقض مطرح می شود. برخی قدرت را توانایی به دست آوردن نتیجه مطلوب و ایجاد تغییرات در راستای اهداف می دانند و برخی نیز آن را به معنای کنترل رفتار دیگران و یا تحمیل اراده خود بر آنها تعبیر می کنند. در واقع قدرت مفهومی است که به یک فرد یا دولت این امکان را می دهد که اقدامی را درباره دیگران انجام دهد و به این دلیل که قدرت به طرق متفاوتی اعمال شده و جلوه های مختلفی از آن متجلی می شود، درباره تعریف آن نظرات واحدی وجود ندارد.

در برداشت سنتی از قدرت، عواملی مانند امکانات برتر نظامی و توانایی های مادی به همراه مولفه هایی چون جمعیت، وسعت سرزمینی می توانند تعیین کننده نتیجه اعمال قدرت باشند. بدین معنا که موارد یاد شده می توانند منابع لازم برای تحمیل اراده و حصول نتایج دلخواه را فراهم می آورد. در تعاریف جدید، این برداشت سنتی از قدرت، نام قدرت سخت به خود گرفت به گونه ای که آن را توانایی حصول نتیجه از طریق اجبار و تهدید تعریف کرده اند. در این گونه از قدرت، با توسل به منابع مادی، برای طرف مقابل شرایطی مهیا می گردد که انتخابی جز مورد تحمیل شده پیش رو نمی بیند. در مورد تهدید نیز قدرت می تواند سبب بازدارندگی طرف مقابل از اقدام گردد و یا موجب شود که با محاسبه هزینه ها، شرایط را بپذیرد. قدرت سخت ممکن است که موجب حصول نتیجه گردد اما این نتیجه به رضایت و اختیار حاصل نیامده لذا نمی تواند موجب همراهی با سیاست ها و تبعیت از روی اختیار شود. جوزف نای^۱ اینگونه از قدرت را قابل اندازه گیری و شمارش می داند که غالباً شامل عناصر محسوس قدرت می شود.

نای در برابر قدرت سخت گونه ای دیگر از قدرت را مدنظر قرار می دهد که آن را قدرت نرم و یا «روی دیگر قدرت» می نامد. به اعتقاد نای در این نوع از قدرت می توان بدون تهدید و ارباب ملموس - از طریق تحسین ارزش ها، مقبولیت به عنوان الگو، الهام بخش بودن سعادتمندی یک کشور - سبب شد که به طور غیر مستقیم به خواسته های خود دست یابد. قدرت نرم باعث می شود که به جای اجبار دیگران برای پذیرش خواست ها، دیگران را به گونه ای اقناع نماییم تا با اختیار با سیاست های مدنظر همراهی نمایند (Nye, 2004: 5-6).

در ارتباط با این تحقیق، عربستان سعودی به عنوان یکی از کشورهای تاثیرگذار در خاورمیانه به طور



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های باسی جهان اسلام
جمعیت ترانس آللم الاسلامی

۱۲۸

سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

1. Joseph Nye



سنتی خود را رقیب منطقه‌ای ایران می‌داند و این رقابت در دوران پس از انقلاب اسلامی، گستره و شدت بسیار بیشتری یافته است. در این رقابت عربستان می‌کوشد با استفاده از منابع قدرت نرم خود با جمهوری اسلامی ایران مقابله نماید. سردمداران سعودی در طی ۴ دهه گذشته اثبات کرده‌اند که از هیچ ابزاری برای مهار ایران در منطقه غفلت نمی‌کنند. در حال حاضر عربستان سعودی، بدون آنکه درگیر تقابل نظامی مستقیم با ایران شود، با ورود به جنگ‌های نیابتی بر دامنه تضادهای خود با ایران است. این کشور حمایت گسترده از گروه‌های تروریستی و سلفی به عمل می‌آورد و تلاش می‌کند رابطه بین اهل تسنن و شیعیان در ایران را با تفرقه مواجه سازد و زعم خود این اقدامات در پاسخ به ارسال امواج صدور انقلاب از سوی ایران صورت می‌پذیرد. با توجه به مطالب مذکور این تحقیق در پی پاسخ به این سوال اصلی است که منابع قدرت نرم عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران از طریق چه سازوکارهایی عمل می‌کنند؟

۱. پیشینه‌شناسی و روش پژوهش

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد اگرچه در اکثر تحقیقات داخلی و خارجی مولفه‌ها و منابع قدرت نرم عربستان شناسایی شده است، اما دستاوردهای قدرت نرم عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران با معیارهای نظری سنجیده نشده است. به عنوان نمونه در هیچ یک از تحقیقات پیش رو مشخص نشده است که دستاوردهای قدرت نرم عربستان علیه ایران گرایش بیشتری به نظریه‌های واقع‌گرایی دارد یا لیبرالیستی؟ و یا پس‌اساخت‌گرا؟ به عبارتی بهتر آیا افزایش فشار تحریم به ایران (افزایش تولید نفت در عربستان) به عنوان یک دستاورد قدرت نرم عربستان در برخی از مقاطع زمانی از حیث کارکرد طولانی مدت است؟ یا کوتاه مدت؟ وادارکنندگی ایران ناشی از اجبار است؟ یا خواست ایران؟ آیا ترویج وهابیت به مثابه دستاوردی دیگر توانسته به عنوان یک قدرت مولد علیه ایران فعال شود؟ یا در اثر تزریق منابع مالی فراوان آل سعود علیه ایران عمل می‌کند؟ در واقع نوآوری این تحقیق پاسخ به همین پرسش‌هاست.

تحقیقات داخلی

فتاحی اردکانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «تجزیه و تحلیل الگوی قدرت نرم در خاورمیانه: مطالعه موردی عربستان سعودی» در این پژوهش به شناسایی و تحلیل ابزارهای قدرت نرم عربستان و الگوی آن پرداخته شده است که سبب شده جنبه‌های نظری قدرت نرم بیش از کاربست‌های در عرصه سیاست خارجی و رقابت‌های منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد.

- عبدالله قنبرلو (۱۳۹۰) در مقاله «الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه»، در این مقاله به صورت مقابله ای مؤلفه های قدرت نرم عربستان سعودی، ایران و ترکیه و قطر مورد بررسی قرار گرفته، در این مقاله ابزارها و منابع قدرت نرم و سخت کشورها یکسان در نظر گرفته شده اما بنیان ها و سازوکارهای متفاوت هستند که قدرت نرم کشورها را به گونه ای متفاوت رقم می زنند. در این مقاله به قدرت نرم عربستان به عنوان بخشی از ساختار رقابت نرم در منطقه بررسی شده است.

- حاجی یوسفی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «هویت، قدرت، امنیت، جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی» عمدتاً به رقابت های منطقه ای دو کشور ایران و عربستان بر بسترهای قدرت، هویتی و امنیتی پرداخته و با دو عامل تعیین کننده موقعیت منطقه ای و انتخاب تصمیم سازان عرصه سیاست خارجی مورد سنجش قرار داده است. در این مقاله کمتر به قدرت نرم پرداخته شده و بیشتر رقابت های دو کشور از منظر امنیتی مورد تحلیل قرار گرفته است.

- هرسیچ و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل تطبیقی تاثیر تحولات سیاسی ۲۰۱۱ منطقه بر میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و عربستان» پیرامون قدرت نرم سه کشور ایران، ترکیه و عربستان در پرتو تحولات منطقه پرداخته است. چارچوب نظری این پژوهش بر اساس قدرت نرم جوزف نای و مؤلفه های تاثیرگذار آن مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله با معرفی شاخص هایی از جمله عضویت در سازمان های بین المللی، احترام به حقوق بین الملل، اتکا به چندجانبه گرایی، احترام به تعهدات بین المللی، کمک های بشر دوستانه و اعتبار بین المللی برای سنجش بخشی از قدرت نرم این کشورها و قیاس آنها استفاده شده است. در بخش ارزش های سیاسی نیز دیدگاه های مردم منطقه در مورد دموکراسی بر اساس نظر سنجی ها استحصال شده است و آنها را با شرایط جاری کشورهای منطقه مطابقت داده اند. این مقاله عمدتاً طبق مؤلفه های غربی اقدام به سنجش قدرت نرم کشورها کرده و از این قیاس نتایج تحلیلی در رابطه با پیامدها به میان نیامده است و تنها برتری جمهوری اسلامی ایران نتیجه گیری بر مبنای مؤلفه های یاد شده نتیجه گیری شده است.

تحقیقات خارجی

- مابون (۲۰۱۳) در کتاب «ایران و عربستان: رقابت قدرت نرم در خاورمیانه» به موضوع قدرت نرم و رقابت های ایران و عربستان پرداخته است. در فصل سوم این کتاب تلاش شده است تا به رقابت ها منطقه ای ریاض و تهران و ابزارهای نرم آنها در این رقابت پرداخته شود. برای نمونه در فصل سوم این کتاب از



اسلام به عنوان ابزاری برای حل مسائل امنیتی در داخل و وسیله ای برای نفوذ در منطقه یاد شده است. در این کتاب به بررسی رقابت های دو کشور در حوزه قدرت نرم پرداخته است و برخی مولفه های این گونه از قدرت را در پرتو رقابت دو کشور مورد بررسی قرار می دهد.

- میسون (۲۰۱۴) در کتاب «سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی: اقتصاد و دیپلماسی در خاورمیانه» به سیاست خارجی دو کشور پرداخته است. در این کتاب آمده است؛ عربستان سعودی به سبب همپیمانی با ایالات متحده و داشتن منابع غنی نفتی داستان اقتصادی متفاوتی با ایران دارد که علی رغم منابع غنی گاز، به سبب تحریم های اعمال شده پس از انقلاب ۱۹۷۹ اقتصاد آن تحت فشار شدید باشد. در این کتاب نگارنده تلاش کرده است که تاثیر ملاحظات اقتصادی (نفت، گاز، تحریم، تجارت و سرمایه گذاری) را بر تصمیم سازی در سیاست خارجی و فعالیت های دیپلماتیک و فرایندها مورد بررسی قرار می دهند. با بررسی سیاست خارجی عربستان و ایران در تقابل با یکدیگر و در یک پلان بزرگ تر در خاورمیانه و فراتر از آن، نگارنده به دنبال نشان دادن تاثیر سیاست های نفتی شامل تولید نفت، قیمت گذاری و امنیت تامین آن بر دیپلماسی و سیاست های اتخاذ شده توسط آنها را مورد توجه قرار داده است.

- گالاروتی (۲۰۱۳) در مقاله «قدرت نرم عربستان سعودی» به بررسی ابعاد قدرت نرم عربستان سعودی پرداخته است. گالاروتی استاد دانشگاه وسلن در ایالت کنکتیکت آمریکا می باشد او در مقاله خود تلاش می کند تا به این سوال پاسخ دهد که منبع قدرت نرم عربستان چیست؟ از نظر وی بسیاری از افراد در پاسخ به این سوال چیزی به غیر از نفت به ذهنشان خطور نمی کند.

- ایی لی (۲۰۱۹) در مقاله «دیپلماسی اقتصادی عربستان سعودی از طریق کمک های خارجی: پویش ها، اهدا و شرایط» به سیاست خارجی نفتی سعودی ها می پردازد. به اهمیت دیپلماسی اقتصادی در کلیت دیپلماسی عربستان می پردازد و نقش کمک به سایر کشورها و گروه ها را به عنوان ابزاری در دیپلماسی اقتصادی مورد بحث قرار گرفته است. عربستان با استفاده از دلارهای نفتی خود دیپلماسی اقتصادی خود را دنبال می کند و با این سیاست اهداف چندگانه ای را دنبال می کند. در این مقاله اهداف سیاسی، اقتصادی و مذهبی - ایدئولوژیک را از دیپلماسی کمک مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد و انواع کمک ها مانند کمک های استراتژیک، کمک های انسان دوستانه و کمک های توسعه محور را طبقه بندی می کند. به عقیده نگارنده کمک های عربستان دارای دو وجه هستند از یک طرف آنها به دنبال توسعه و تقویت کشورهای جنوب هستند و از طرف دیگر آنها به دنبال توسعه وهابیت و تهدید نمودن امنیت سنتی جهان می باشد. هرچند از سال ۲۰۱۵ پادشاه جدید سعودی فرآیندهایی را برای کنترل و کاهش تهدید وهابیت انجام داده اند.

روش

روش انجام این پژوهش از نوع کیفی بوده و در قالب روش تحلیل اسنادی صورت می گیرد. روش اسنادی مربوط به مطالعه و بررسی آن دسته از اسنادی است که اطلاعاتی را درباره موضوعات مورد مطالعه به دست می دهند. این روش مستلزم کاوشی تفسیری و توصیفی از موضوع مورد پژوهش است. روش اسنادی به دنبال واکاوی ذهنی و یا ادراک انگیزه های ناپیدا یک متن نیست. در این روش پژوهشگر می کوشد با استفاده روش مند از داده های اسنادی به اکتشاف، استخراج، طبقه بندی و ارزیابی موارد مربوط به موضوع پژوهش بپردازد. از مهمترین ویژگی های این روش می توان به عدم نیاز به حضور میدانی، سهولت و کم هزینه بودن، اشاره کرد. روش اسنادی دارای مراحل است که به ترتیب انتخاب موضوع و تعیین اهداف و سوالات، بررسی های اکتشافی و پیشنهاد پژوهش، انتخاب رویکرد نظری، جمع آوری منابع و تکنیک های بررسی آن، پردازش و گزارش پژوهش و نهایتاً جمع بندی و ارائه نظر می باشد. (صادقی ۱۳۹۴: ۶۳-۷۷) در پژوهش حاضر سوالات مربوط به چیستی شامل مواردی می شود که به قدرت نرم و مولفه های آن می پردازد در واقع اینکه چه مولفه هایی قدرت نرم را شکل می بخشند، سوالات مربوط به این بخش را پاسخ می گوید. اینکه قدرت نرم عربستان سعودی در بخش فرهنگ، ارزش های سیاسی و سیاست خارجی دارای چه اجزایی است. در قسمت چگونگی نیز به طریقه تاثیرگذاری منابع قدرت نرم سعودی در رقابت با جمهوری اسلامی ایران پرداخته خواهد شد. برای انجام تحقیق به منابع مختلف اعم از کتاب ها، مقالات و سایت های اینترنتی مراجعه شده و با ابزار فیش برداری داده ها جمع آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تحول «قدرت» در مطالعات سیاسی و بین المللی

قدرت از مفاهیم اساسی و بنیادین در حوزه سیاست است که پیشینه آن را می توان به درازای تاریخ و از زمان پیدایش بشر در نظر گرفت. انسان برای تامین نیازهای خود همواره به قدرت نیاز داشته و نمی توان برای تنازع بر سر آن، پایانی متصور بود. در تعریف مفهوم قدرت دیدگاه یکسانی وجود ندارد، به ویژه در بعد سیاسی آن به شکلی معماگونه و با ماهیتی دارای تناقض مطرح می شود. برخی قدرت را توانایی به دست آوردن نتیجه مطلوب و ایجاد تغییرات در راستای اهداف می دانند و برخی نیز آن را به معنای کنترل رفتار دیگران و یا تحمیل اراده خود بر آنها تعبیر می کنند. در واقع قدرت مفهومی است که به یک فرد یا



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۱۳۲

سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۱۳۳

تحلیل گفتمان سیاسی دولت بازدهم جمهوری اسلامی...

دولت این امکان را می‌دهد که اقدامی را درباره دیگران انجام دهد و به این دلیل که قدرت به طرق متفاوتی اعمال شده و جلوه‌های مختلفی از آن متجلی می‌شود، درباره تعریف آن نظرات واحدی وجود ندارد. در برداشت سنتی از قدرت، عواملی مانند امکانات برتر نظامی و توانایی‌های مادی به همراه مولفه‌هایی چون جمعیت، وسعت سرزمینی می‌توانند تعیین‌کننده نتیجه اعمال قدرت باشند. بدین معنا که موارد یاد شده می‌تواند منابع لازم را برای تحمیل اراده و حصول نتایج دلخواه فراهم می‌آورد. در تعاریف جدید، این برداشت سنتی از قدرت، نام قدرت سخت به خود گرفت به گونه‌ای که آن را توانایی حصول نتیجه از طریق اجبار و تهدید تعریف کرده‌اند. در این گونه از قدرت، با توسل به منابع مادی، برای طرف مقابل شرایطی مهیا می‌گردد که انتخابی جز مورد تحمیل شده پیش رو نمی‌بیند. در مورد تهدید نیز قدرت می‌تواند سبب بازدارندگی طرف مقابل از اقدام گردد و یا موجب شود که با محاسبه هزینه‌ها، شرایط را بپذیرد. قدرت سخت ممکن است که موجب حصول نتیجه گردد اما این نتیجه به رضایت و اختیار حاصل نیامده است لذا نمی‌تواند موجب همراهی با سیاست‌ها و تبعیت از روی اختیار شود

۱-۲. قدرت نرم

یکی از تحولات نظام جهانی، ایجاد تغییر در ماهیت و اشکال قدرت و ارتقاء تاثیرگذاری قدرت نرم بر قدرت سخت بوده است (شعبانی سارویی، ۱۳۹۲: ۸۰). اصطلاح «قدرت نرم» و «قدرت سخت» توسط جوزف نای برای فهم روش‌های که ملت - کشورها برای استفاده از قدرت خود بکار می‌برند، جعل گردید. به نظر نای، قدرت نرم ناشی از ایجاد جذابیت است. قدرت نرم عنصر اصلی سیاست‌های دموکراتیک است (دلیرپور، ۱۳۹۱: ۴۷). از این منظر قدرت نرم به ابعادی از قدرت توجه دارد که علاوه بر دارا بودن ماهیتی غیر خشن و نامحسوس بر عواملی چون فرهنگ، هویت، مذهب و .. دارد و از ابزارهایی چون رسانه، هنر، ادبیات، علم و ... بهره می‌گیرد (یزدانی و شیخون، ۱۳۹۰: ۹۷). به عبارت دیگر، با استفاده از قدرت نرم برگزیده‌ها یا ترجیحات طرف مقابل نفوذ می‌کنیم و آن‌ها را مطابق میل خود تغییر می‌دهیم، بدون اینکه طرف مقابل احساس اجبار کند (موسوی نقابی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

۲-۲. منابع قدرت نرم

به نظر نای چند منبع عمده برای قدرت نرم یک کشور وجود دارد که عبارت‌اند از: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، مشروعیت (دلیرپور، ۱۳۹۱: ۴۸)، سیاست خارجی و اقتصاد

- فرهنگ

به طور کلی اندیشمندان روابط بین الملل از واژه فرهنگ به عنوان قدرت نرم یاد می‌کنند (خراسانی،

۱۳۸۷: ۵۶). همانطور که مشخص است خیل عظیمی از سیاست‌پیشگان آگاه در عرصه سیاست خارجی نسبت به نقش ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی در شکل دادن به اولویت‌های سایر کشورها آگاهی و وقوف کامل دارند (عیوضی و پارسا، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

- سیاست خارجی

کشورها می‌توانند از خود ظاهری زیبا، دارای پرستیژ و مشروعیت به جهانیان بنمایانند. این موارد به کارکرد سیاست خارجی عوامل این حوزه بستگی بسیار دارد. موردی که جوزف نای در حوزه مطلوبیت سیاست خارجی به عنوان یکی از منابع قدرت نرم اشاره می‌کند. به عقیده نای گونه‌ای از سیاست خارجی مطمح نظر است که جامعه بین‌المللی آن را مشروع و مجاز قلمداد کند و مرجعیت اخلاقی آن را بپذیرد (اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۳-۱۴۲).

- ارزش‌های سیاسی

ارزش‌های بنیادینی که یک دولت آن‌ها را پذیرفته و سرلوحه‌ی عمل خویش قرار داده است، در صورتی که جذاب باشند و در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گیرند، می‌توانند در نقش منابع مولّد قدرت نرم ظاهر شوند. جوزف نای شماری از ارزش‌های آمریکایی مانند مردم‌سالاری، آزادی فردی، گشودگی و تحرک رو به بالا را برخوردار از چنین خصیصه‌ای می‌داند (سعیدی و مقدم فر، ۱۳۹۳: ۱۱۰). مشروعیت سیاسی یک عامل مهم در قدرت نرم یک دولت در داخل و خارج به حساب می‌آید؛ مشروعیت سیاسی یک دولت در داخل به وفاداری و حمایت آگاهانه مردم از آن دولت مرتبط است، یعنی اینکه اتباع یک کشور اقتدار دولت را پذیرفته و باور داشته باشند که نهادهای موجود، کارهای خود را به خوبی انجام می‌دهند، به قانون عمل می‌کنند و از لحاظ اخلاقی شایسته هستند (نای، ۱۳۸۹: ۲۳۳).

- اقتصاد

منابع اقتصادی هم می‌توانند قدرت نرم و هم قدرت سخت، تولید نمایند. اقتصاد موفق، در حال پیشرفت و رو به رشد وسیله‌ای برای اعمال نمودن تحریم‌ها در اختیاران قرار می‌دهد؛ اما می‌تواند مدلی برای جذب دیگران نیز باشد (نای، ۱۳۸۹).

از نگاه نویسنده قدرت نرم (پارادایم لیبرال) هم از قدرت سخت (پارادایم واقع‌گرا) و هم از قدرت در پارادایم پساساخت‌گرا متأثر است؛ زیرا هر دوی اول، بر دولت‌محوری، قابل اندازه‌گیری بودن قدرت و ... اشاره دارند. و اشتراک قدرت نرم و قدرت در پارادایم ساختارگرا تنها در نامشخص بودن نتایج و پیامدهای قدرت است که اهمیت وافر در مباحث قدرت نرم این رساله دارد.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۳۴

سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

نویسنده اعتقاد دارد پیامدهای قدرت نرم عربستان سعودی، متأثر از منابع آن پیامدهایی در سه حوزه داخلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران در پی دارد. در ارتباط با حوزه داخلی منابع اقتصادی و ایدئولوژیک عربستان سعودی منجر به تهدیدهایی برای ایران می‌شود. در حوزه منطقه‌ای ارزش‌های سیاسی و ایدئولوژیک قدرت نرم عربستان منجر به خطراتی برای ایران شده است و در حوزه فرا منطقه‌ای منابع اقتصادی و سیاست خارجی عربستان تهدیداتی برای ایران پدید آورده است.

۳. منابع قدرت نرم عربستان سعودی

۱-۳. منابع فرهنگی

برخاستن دین مبین اسلام از جزیره العرب و قرار گرفتن خانه کعبه در مکه مکرمه و قرار داشتن حرم پیامبر اسلام، کشور عربستان سعودی را از منظر تاریخی، در موقعیت و شرایطی قرار داده است که در نگاه بسیاری از مسلمانان جهان، به ویژه مسلمانان بیرون از منطقه خلیج فارس، عرصه بروز و ظهور اسلام واقعی بوده و حاکمان سعودی، در قالب پرده داران و کلید داران خانه کعبه و جانشینان پیامبر اسلام خود را نشان می‌دهند. در طول سال، میلیون‌ها مسلمان از سراسر جهان، به زیارت حرمین شریفین می‌روند. حاکمان ریاض در نقش میزبان مسلمانان و نگهبانان حرمین شریفین ایفای نقش کرده و بدین طریق برای خود مشروعیت، اعتبار و امتیاز تحصیل می‌کنند. بدین شیوه سعودی‌ها می‌توانند از بزرگ‌ترین عامل ژئوپلیتیکی، به عنوان منبعی تمام‌ناشدنی تبلیغی، به انحای مختلف بهره‌برداری نمایند و با استفاده از تبلیغات وسیع در میان مسلمانان، از جایگاه بین‌المللی مناسبی برخوردار شوند. حضور زائران خانه کعبه از منظر فرهنگی، نیاز جوامع مسلمان به این سرزمین مقدس از دیدگاه مذهبی، نگرشی همراه با احترام برای عربستان سعودی به ارمغان فراهم آورده است (کرمی، ۱۳۸۹). بواسطه دین اسلام و وجود مکه مکرمه و مدینه منوره در عربستان سعودی و طبیعتاً گردشگری اسلامی این کشور در جغرافیای جهان اسلام یکی از قدرتمندترین و با نفوذترین منابع الهام بخشی و صدور ارزش‌های اسلامی در جهان اسلام و بالاخص اهل سنت شناخته می‌شود و جایگاه والایی نزد آنان دارد (فتاحی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷).

دیپلماسی فرهنگی نیز یکی از منابع قدرت نرم عربستان است (شیخ الاسلامی و سرادار، ۱۳۹۱).

در مجموع دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی عمدتاً تحت تأثیر دو عامل است: ۱. تغییرات، تحولات و جریانات منطقه‌ای و رقابت با کشورهایی که آنها را تهدیدی علیه ایدئولوژی خود می‌داند؛ ۲. وهابیت. تلاش‌های بسیار برای برتری‌جویی عربستان سعودی در مسائل مربوط به حوزه فرهنگ



در جهان اسلام با بهره‌گیری از آموزه‌های وهابیت، سال‌های متمادی است که شرایطی را فراهم آورده تا نخبگان سعودی، عربستان را به عنوان ام‌القری جهان اسلام در نظر گرفته و معرفی کنند. دیپلماسی فرهنگی عربستان عمدتاً از طریق جذب دانشجویان و طلاب دینی و استفاده از سازمان‌های و محافل بین‌المللی (رابطه العالم الاسلامی) صورت می‌پذیرد. مجمع عمومی دانشجویان مسلمان جهان که مرکزیت آن در عربستان سعودی قرار دارد، اساس کار خود را جذب دانشجویان و جوانان کشورهای اسلامی قرار داده است. در همین رابطه، عربستان تلاش می‌کند تا با گسترش و تبلیغ سلفی‌گری و وهابیت، دیپلماسی فرهنگی خود را پیگیری نموده و مانع ترویج و نفوذ شیعه‌گری شود. محورهای مهم فعالیت «رابطه العالم الاسلامی» عبارت است از: فعالیت‌ها و تبلیغ بین‌المللی که شامل تربیت ائمه جماعات و مبلغان مذهبی، ایجاد سامانه آموزش بین‌المللی رهبران، اتخاذ ترتیبات به جهت اعزام دانش‌آموختگان مقاطع عالی به عنوان سفیران فرهنگ دینی و پیام‌رسانان مستقل؛ تأسیس شبکه نخبگانی با ترکیب دانشمندان مسلمان و کفالت امور مادی مبلغان، وعاظ و ائمه جماعات، برگزاری همایش‌ها و هم‌اندیشی‌های بین‌المللی اسلامی و غیره. نهادهایی مانند جمعیت اسلامی جوانان، مجمع فقه اسلامی و شورای عالی جهانی مساجد تحت سرپرستی این مرکز قرار دارند. همچنین بیش از هزار مسجد و صدها مرکز اسلامی در سراسر جهان زیر نظر این سازمان در حال فعالیت هستند (داوند، ۱۳۹۶).

۲-۳. منابع سیاسی

نظام سیاسی عربستان مبتنی بر نظام پادشاهی در قالب قبیله‌ای و با تکیه بر اصول وهابیت می‌باشد. پادشاه از وفاداری قبایل مختلف برخوردار است. پادشاه تعیین‌کننده‌ترین کانون قدرت و عنصر تاثیرگذار سازمان قدرت کشور است. از آنجا که عربستان دارای یک رژیم مطلقه سلطنتی است، دارای آنچنان شیوه رفتاری است که تغییر و قاعدتاً مخالفت در شیوه حکومت داری را برنمی‌تابد؛ لذا آن چه برای سعودی‌ها از لحاظ سیاسی اهمیت دارد؛ حفظ ثبات داخلی و منطقه‌ای است (داوند و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۵). گفتمان سیاسی آل سعود در دو وجهی سیاست و شریعت مفصل-بندی شده است. عربستان کشوری سکولار یا به عبارتی دیگر، مبتنی بر عملگرایی سیاسی استوار بر شریعتی بوراکراتیک است. اساس اندیشه پادشاه نگه-داشت وضع موجود است و بهره-گیری از دین نیز ابزاری در این راستاست (میردهقان و شوکتی مقرب، ۱۳۹۲: ۱۶۲). عربستان حفظ اساس این نوع حکومتداری را دارای ارزش تلقی می‌کند و اساساً محافظه‌کاری و ترویج آن در جهان اسلام اصلی‌ترین ارزش سیاسی حکومت آل سعود است. محافظه‌کاری که مبتنی بر مذهب را می‌توان: مخالفت با تجدیدنظرطلبان داخلی، سرکوب

تجدید نظر طلبان در سطح جهان اسلام و منطقه و ترویج این دو مقوله. از این منظر می توان عربستان سعودی حکومتی محافظه کار و خواهان وضع موجود دانست. (بخشی، ۱۳۹۹: ۹۶)

در سطح داخلی رفتار نامناسب عربستان سعودی با مردم، اقلیت های اجتماعی، انجمن های آزادی خواه و صلح مدار در راستای حفظ حکومت یک ارزش تلقی می شود (میرزایی و داوند، ۱۳۹۴: ۸۵)؛ چرا که به اعتقاد آل سعود بی احترامی به پادشاهی عربستان، هنجارها و ارزش های رایج برای حفظ صلح و توسعه پایدار را به خطر می اندازد. در سطح خارجی نیز عربستان اعتقاد دارد مخالفت و مبارزه با عناصر تجدید نظر طلب (مخالف با رهبری عربستان بر کشورهای تحت سلطه) یک اصل و در درجه بعد دارای ارزش است؛ چرا که مورد حمایت اکثر کشورهای محافظه کار منطقه و نهادها و سازمان های بین المللی منطقه ای قرار دارد. برای نمونه بعد از بیداری اسلامی در منطقه، عربستان پس از عبور از خطر قیام قریب الوقوع داخلی، به طراحی سیاستی برای مقابله با پیامدهای خیزش جهان عرب پرداخت. بدین ترتیب چارچوب اصلی استراتژی آل سعود در برابر خواست ملت های عرب در جهان اسلام خود را نشان داد؛ راهبردی که اقتدارگرایی و توتالیترسیم را در مقابل آزادی خواهی قرار می دهد. از این جهت، می توان به قیام مردمی بحرین که با دخالت مستقیم عربستان اشاره کرد (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۸۹).

۳-۳. منابع سیاست خارجی

عربستان سعودی در عرصه سیاست خارجی همراهی راهبردی با نظام سلطه (نظام محافظه کاری) را ارزش تلقی می کند. عربستان از متحدان آمریکا و غرب در منطقه به شمار می رود و تسلط بر منطقه به عنوان یک «منزلت منطقه ای» برای عربستان در گرو رقابت با ایران (بیات و اسلامی، ۱۳۹۷) و تبعیت از سازوکارهای بین المللی نظام جهانی سلطه است. البته مهمترین دستاورد آل سعود در رابطه با سیاست خارجی در حوزه قدرت نرم ایجاد سازمان ها و سازوکاری ضد تجدید نظر طلبی در منطقه و جهان اسلام است، بدین معنا که سیاست های ریاض با همراهی سازمان ها و مراکز تحت حمایت آل سعود، همواره در پی حفظ وضع موجود^۱ بوده و به مقابله با کانون های انقلابی منطقه ای پرداخته اند که این امر پس از انقلاب اسلامی در ایران و بازتاب های منطقه ای آن با شدت بیشتری پیگیری شد. پس از آغاز بهار عربی در منطقه در سال ۲۰۱۱ این سیاست با همان شدت و کیفیت پیگیری شد که در این موضوع از مصر تا لیبی و تونس با شدت های متفاوت قابل مشاهده است. در واقع محافظه کاری سعودی و مقابله آن با تحرکات آزادی خواهانه عمدتاً به دلیل ترس از کشیده شدن دامنه این تحرکات به خاک عربستان بوده و

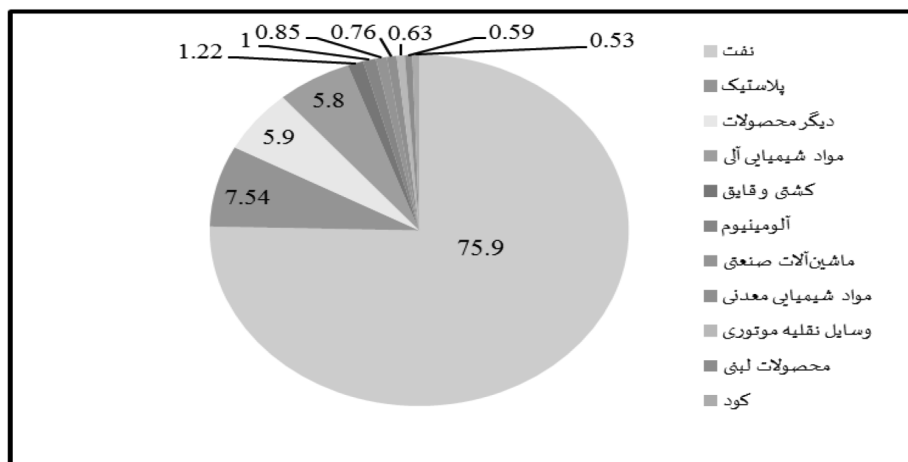
1. Status quo

این رویکرد غالب در بهار عربی، جز در رابطه با سوریه که به دلیل تقابل با ایران به گونه ای متفاوت اقدام گردید، قابل مشاهده است. (بخشی، ۱۳۹۹: ۹۳-۹۴) در مقابل ایران نیز جز در رابطه با سوریه، بهار عربی را به سان فرصتی برای اعمال ایدئولوژی تجدیدنظر طلبانه خود دانسته است (Zehraa, ۲۰۱۸: ۶۵) که درست نقطه مقابل محافظه کاری سعودی قرار می گیرد.

نهادهای رسمی و غیر رسمی بین المللی عربستان سعودی در راستای تقویت جایگاه این کشور در جهان اسلام، به کمک سیاست خارجی ریاض آماده اند، مدارس مذهبی که با مرجعیت علمای سعودی در سرتاسر جهان اسلام شکل گرفته است به عنوان نهادی غیر رسمی بر رهبری دینی عربستان در میان اهل تسنن به ویژه مسلمانان سلفی تأکید دارد. ایجاد «لیگ جهانی مسلمانان» توسط عربستان در سال ۱۹۶۲ منبعی دیگر بر قدرت نرم عربستان افزود؛ این سازمان از طریق فعالیت های مذهبی، فرهنگی و آموزشی در کشورهای اسلامی با توده های مسلمان ارتباط برقرار می کند. علاوه بر این ایجاد سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی که در ۱۹۶۹ و همزمان با افول جایگاه مصر شکل گرفت، تلاشی دیگر از طرف آل سعود برای تقویت جایگاه خود در فضای دیپلماتیک بود؛ تشکیل شورای همکاری کشورهای خلیج (فارس)، سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و اتحادیه عرب نیز از جمله اقداماتی است که در فرآیند نهادسازی توسط عربستان سعودی صورت گرفته است. همچنین این کشور با حمایت از گروه های جهادی در جریان جنگ افغانستان با شوروی و تداوم ارتباط با این گروه ها منبع دیگری برای قدرت نرم (رضاخواه، ۱۳۹۴) خود در سیاست خارجی ایجاد کرده است.

۴-۳. منابع اقتصادی

عربستان سعودی بیش از ۳۱ میلیون نفر جمعیت دارد. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۵: ۳/۴۹ درصد بوده است. نرخ رشد صادرات غیر نفتی عربستان در سال ۲۰۱۵: منفی ۱۲/۵۴ درصد بوده است. سهم بخش خصوصی غیر نفتی در تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۵: ۲۷/۳۹ درصد بوده است. نرخ رشد کالاهای غیر نفتی صادراتی این کشور نیز در اکتبر ۲۰۱۶: منفی ۸/۲ درصد بوده است. نرخ رشد این کشور بیشتر بواسطه بخش نفت و گاز بوده و صنایع نفتی ۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می دهد. در این زمینه عربستان سعودی ظرفیت تولید نفت خود را به بیش از ۱۱ میلیون بشکه در روز رسانده است. به جز محصولات نفتی بیشتر تولیدات این کشور شامل تولید، مونتاژ یا بسته بندی محصولات مصرفی برای بازارهای داخلی است. برخی از دیگر تأسیسات صنعتی این کشور مربوط به پتروشیمی، مواد شیمیایی و کود می شود (داوند و موسوی شفایی، ۱۳۹۸).



نگاره شماره (۲) - درصد کالاهای صادراتی عربستان سعودی در سال ۲۰۱۵

منبع: (داوند و موسوی شقایب، ۱۳۹۸: ۱۹۸).

عربستان سعودی در حوزه سیاست خارجی به طور عمده‌ای از ابزار نفت و دیپلماسی انرژی برای تعمیق و تثبیت نفوذ و تاثیرگذاری سیاست خارجی خود بهره می‌گیرد. بر این مبنا، سعودی‌ها با توجه به ذخایر عظیم نفتی خود نیازمند به‌کارگیری دیپلماسی فعال و هدفمند در حوزه انرژی می‌باشد. بازار نفت سال‌هاست که زیر سلطه عربستان سعودی است؛ چراکه دارای قابلیت تولید و صادرات حجم گسترده‌ای از نفت خام، این محصول ارزشمند تجاری جهان، است. همچنان که نقش عربستان سعودی به واسطه قابلیتش در تولید مازاد بر نیاز پررنگ‌تر نیز می‌شود، قابلیت‌هایی که می‌تواند در دوران سخت بازار، به عنوان یک ضربه‌گیر استراتژیک عمل کند و تولید را در زمانی نسبتاً کوتاه افزایش دهد (الوقت، ۱۳۹۵) و به رقیبان منطقه‌ای فشار مضاعف آورد.

۴. یافته‌های پژوهش

در زیر با توجه به اهم مطالب بالا پیامدها و تهدیدهای قدرت نرم عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویر کشیده خواهد شد.

۴-۱. پیامدهای سیاسی

در ارتباط با پیامدهای سیاسی قدرت نرم عربستان دو منبع قائل شدن نقش ام القرا برای خود و حفظ سیستم پادشاهی بیش از سایر منابع تاثیرگذار هستند.

۱-۱-۴. تفرقه بین شیعه و سنی

عربستان سعودی همواره می‌کوشد با بهره‌گیری از ابزارها و شیوه‌های مختلف، بین شیعیان و اهل تسنن در ایران به منظور تضعیف شیعیان، حکومت ایران و تقویت انگاره ام القریابی خود، اختلاف ایجاد کند. چنین رویکردی از سوی عربستان پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و ترس آل سعود از گسترش موج انقلابی تشدید گردید، به علاوه غیرت سازی گفتمانی برای رهبری اهل سنت در مقابل شیعیان را نیز می‌توان از دلایل عمده اتخاذ چنین رویکردی از جانب سران ریاض دانست. تقابل این دو رویکرد برای رهبری جهان اسلام، سبب ساز اصطکاک شدید میان دو کشور شد (Yetiv, 2010: 23) در واقع مابون رقابت با یکدیگر بر سر رهبری جهان اسلام و افزایش فرقه گرایی را از مسائل پیش آمده پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران دانسته است. (Mabon, 2018: 9) برای نمونه، وزارت فرهنگ و اطلاع‌رسانی عربستان سعودی، کتابی حاوی تفکرات ضد شیعی را در دوره ابتدایی مدارس عربستان توزیع نموده است. در این کتاب به تکفیر شیعیان پرداخته شده و وجود آنها را برای اسلام مضر می‌داند. همچنین عده ای از وهابیون تندرو کتابی توهین آمیز با محتوای توهین به امام خمینی (ره)، در استان بوشهر توزیع کرده‌اند. محتویات این کتاب عمدتاً به تضعیف و هتک اصول مسلم شیعه، زیر سؤال بردن تقلید و فقاہت، توهین به شیعیان و ایجاد تردید در روایات مشهور امام زمان (عج)، جسارت علیه حضرت امام (ره) است (نورمحمدی و کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۰۶). این رویکرد عمدتاً به دلیل احساس تهدید سعودی‌ها بر مناطق جغرافیایی دور و نزدیک بود تا جایی که مفتی وهابی عامل احیای جنبش زیدی‌ها در یمن را وقوع انقلاب اسلامی در ایران دانسته است. (همتی، ۱۳۹۹: ۱۱۲)

همچنین نفوذ نیروهای مرتبط با القاعده و تفکرات افراطی وهابی از نواحی شرق کشور به همراه حمایت (اقتصادی و ایدئولوژیک) سعودی‌ها در برخی از گروه‌های قومی بلوچ می‌تواند سبب نزدیکی میان شبکه‌های جنایی سازمان‌یافته، گروه‌های تروریستی، احزاب قوم‌گرای افراطی و ایجاد دودستگی بین شهروندان ساکن این مناطق شود. (پیشگاه هادیان، ۱۳۸۶) این زمینه فضا را برای گروه‌هایی همچون حزب «الفرقان بلوچستان ایران» که گروهی عمدتاً مذهبی می‌باشد و همچنین روحانیون سنی ناراضی از حکومت شیعی ایران در آن مشغول فعالیت هستند، باز می‌کند. یکی از این گروه‌ها وابسته به سعودی‌ها، سپاه صحابه پاکستان است. سپاه صحابه پیوسته و بطور دائم در ارتباط با حکومت آل سعود است که همواره با دعوت وزارت حج عربستان سعودی به این کشور در حال رفت و آمد هستند (حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۵: ۳۴). این گروه دارای ایدئولوژی تندروی وهابی بوده که همواره حملاتی را علیه سایر گروه‌های



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۴۰

سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰



مسلمان از جمله شیعیان داشته اند. (Chandar: 2020, 88) برخی شکل گیری سپاه صحابه را مرتبط با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و مقابله با گسترش شیعه در نظر گرفته و عربستان سعودی را بانی تشکیل آن دانسته اند. (Weiler: 2013, 2) در واقع سپاه صحابه برآمده از مدارس دینی دثوباندی است که حمایت های مالی آن به صورت آشکار و پنهان توسط عربستان سعودی صورت می پذیرد. (Hussain: 2020, 2)

۱-۲-۴. درگیری غیر مستقیم با متحدین ایران در منطقه

پس از سال ۲۰۰۲ و آشکار شدن جنبه هایی از برنامه هسته ای ایران به همراه سقوط صدام، عربستان را بر این باور رساند که روابط مسالمت آمیز و مسالمت آمیز با تهران به پایان خود رسیده و فصل جدیدی از رقابت و موازنه قوا در منطقه غرب آسیا آغاز شده است. (سیمر و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۶) با تغییر شرایط و آغاز سیر تحولات منطقه، عربستان از بیم تغییر ساختار پادشاهی آل سعود در مناقشات داخلی کشورهای منطقه از جمله عراق و سوریه راهبرد خصمانه خود (مبارزه علیه مقاومت اسلامی) علیه ایران را وارد دوره نوینی کرده است؛ چرا که در عراق نیز بعد از آنکه شیعیان پس از سقوط صدام، از وزن قابل توجهی در مناسبات قدرت برخوردار شده اند و سوریه پس از تحولات داعش با ایران پیوندهای نزدیکی برقرار کرده اند (نیاکونی و ستوده، ۱۳۹۴). عربستان با به قدرت رسیدن حوثی ها با لشکرکشی نظامی به یمن به مقابله با آنها پرداخت. از دید آل سعود تحولات یمن، جنگ با قدرت و نفوذ ایران در شبه جزیره عربستان است (آل سیدغفور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۵). عربستان همچنین در چهارده مارس ۲۰۱۱، حدود هزار نظامی برای حمایت از پادشاه بحرین و سرکوب معترضان شیعی به بحرین روانه کرد (دهشیری و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۲۶-۱۲۵). عربستان در لبنان نیز با عنایت به نقش حزب الله در هندسه قدرت منطقه ای ایران، سیاست های خصمانه علیه حزب الله لبنان انجام داده است. برای مثال فشار عربستان به اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۶ برای تروریستی اعلام نمودن حزب الله از این دست سیاست ها است (پورحسن، ۱۳۹۶: ۳۴-۳۳). پس از اعدام شیخ نمر نیز پرده ای دیگر از تقابل دو کشور آشکار گردید و کار تا آنجا پیشرفت که پس از حمله به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد، روابط دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی دو کشور قطع شد و ریاض با تحت فشار قرار دادن متحدان خود از حمله بحرین، سودان و جیبوتی آنها را نیز مجبور به قطع روابط با ایران نمود. (بخشی، ۱۳۹۸: ۱۸۷)

۲-۴. پیامدهای اقتصادی

در ارتباط با پیامدهای اقتصادی قدرت نرم عربستان دو منبع تولید بیش از پیش نفت و دیپلماسی دلار بیش از سایر منابع تأثیرگذار هستند.

۱-۲-۴. تشدید فشار تحریم (دیپلماسی انرژی)

عربستان در رویارویی با ایران همواره از سلاح نفت استفاده کرده است. به گونه‌ای که در دوران جنگ تحمیلی، علاوه بر تأمین هزینه‌های جنگی عراق، تولید نفت خود را به حدود ۱۰ میلیون بشکه افزایش داد تا نفت خود را جایگزین نفت ایران نماید (پورحسن، ۱۳۹۶: ۳۶-۳۵). ایده کاهش قیمت نفت برای فشار به اقتصاد ایران بار دیگر در سال ۲۰۰۶ توسط نواف عبید، مشاور امنیتی سعودی مطرح شد. هدف این طرح کاهش توان حمایت ایران از حزب الله و نیروهای مقاومت در عراق بود. این طرح عملاً در سال ۲۰۰۸ پیاده شد و قیمت نفت با کاهش شدیدی مواجه شد ولی دوام زیادی نیاورد. در پاییز ۱۳۹۳ سعودی‌ها مجدداً شروع به تزریق بیش از معمول نفت به بازار کردند که باعث سقوط آزاد قیمت نفت شد. (تسنیم، ۱۳۹۵). پس از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام نیز، خالد الفالح وزیر انرژی عربستان اظهار داشت: «... بر پابندی عربستان به حمایت از ثبات بازار نفت در راستای تأمین منافع تولیدکنندگان و مصرف کنندگان تأکید می‌کنیم» (تسنیم، ۱۳۹۷).

۲-۱-۴. پشتیبانی مالی از تروریسم سلفی گرا (دیپلماسی دلار)

یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی عربستان در رقابت یا دشمنی با جمهوری اسلامی ایران، استفاده از «دیپلماسی دلار» است. عربستان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت در جهان است و درآمدهای هنگفت نفتی دارد. افزایش قیمت نفت از ۲۵ دلار در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۱۰۰ دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش ذخیره ارزی عربستان سعودی به بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار را در پی داشت. عربستان سعودی از این درآمد هنگفت نفتی برای تحقق اهداف سیاست خارجی خود از جمله تقویت تروریسم در کشورهای جهان اسلام و ممانعت از برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای به نفع جمهوری اسلامی ایران بهره می‌گیرد (روزنامه تعادل، ۱۳۹۶/۱۱/۴) مفتی‌های وهابی به ضرورت سرکوب شیعیان به عنوان یک ضرورت می‌نگرند. (ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۹: ۱۵) صدور وهابیت و سلفی‌گری با هدف گسترش تروریسم و به منظور مقابله با ایران بوده و عمده حمایت مادی از سلفی‌گری و وهابیت از طریق خیریه‌ها و مراکز مذهبی که شامل سمینارهای اسلامی، مدارس مذهبی، تبدیل پول در قالب شبه کسب و کار، جابجایی پول نقد به صورت حواله انجام شده که اغلب این مبالغ در اختیار گروه‌های تروریستی قرار گرفته است (Alvi, 2014: 38) در راستای نیل به این اهداف و به طور خاص پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دلارهای نفتی برای تقویت جریان سلفی-تکفیری از طریق ایجاد مدارس مذهبی به کار گرفته شد تا در وهله اول در جهت مقابله با گسترش کمونیسم در افغانستان به کار گرفته شود (Malla, 2021: 13) و



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۴۲

سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰



۱۴۳

تجلیل گفتمان سیاسی دولت یازدهم - جمهوری اسلامی...

در ثانی مانع از گسترش امواج انقلابی شیعی گردد. فیلمساز معروف مصری یوسف چاهبین معتقد است که بنیادگرایی دینی از کشورهای حاشیه خلیج فارس به سایر نقاط جغرافیایی رسیده که وی عنوان «امواج سیاه» را به آن داده است. (Ghattas, 200: 221) گامت نیز معتقد است که رقابت های ایران و سعودی به گسترش بنیادگرایی اسلامی ختم شده بود. (رحم دل، ۱۳۹۸: ۲۷۰)

تاریخ معاصر همواره نشانگر آن است که تروریسم از بسیاری جهات تحت پشتیبانی مستقیم و غیر مستقیم آل سعود است. «دویچهوله» در یک گزارش در ۲۰۱۲ آل سعود را بزرگترین پشتیبان مالی تروریست ها در جهان معرفی نمود (میرزایی و داوند، ۱۳۹۴: ۷۹). در ارتباط با حمایت عربستان از داعش العالم به نقل از تیم اندرسون می آورد: آل سعود در سال ۲۰۰۶ با چراغ سبز آمریکا برای ممانعت از برقراری روابط بیش از پیش عراق و ایران مبادرت به تأسیس «القاعده» در عراق کرد (العالم، ۳۰ ۱۳۹۴). در رابطه با حمایت از تروریسم، مابون نیز اعتقاد دارد عربستان به طور مستقیم و غیر مستقیم از داعش در جریان درگیری های عراق و سوریه حمایت کرده است. (Mabon, 2019:3) طبیعتاً این وضعیت، هزینه های مقابله و مبارزه با تروریسم را برای جمهوری اسلامی ایران را از حیث نظامی و اقتصادی بالا برده است.

۳-۴. پیامدهای فرهنگی

در ارتباط با پیامدهای فرهنگی قدرت نرم عربستان دو منبع وهابیت و دیپلماسی فرهنگی بیش از سایر منابع تأثیرگذار هستند.

۱-۳-۴. هجمه رسانه ای (دیپلماسی ارتباطاتی)

سعودی ها گاه با پیشنهاد مشوق ها و گاه با توسل به تهدید نویسندگان خود به اقدام به چاپ کتب و مجلات با تیراژ بالا نموده و در تمامی نقاط دنیا آنها را توزیع می کند. همچنین روزنامه ها و مجلاتی به زبان انگلیسی و عربی در داخل و خارج تحت نظارت دولت سعودی است. در همین راستا مجلات و روزنامه های الدعوه، الندوه، خورشید، الرياض و الجزیره قابل ذکر هستند. شبکه های رادیویی و تلویزیونی نیز تحت نظارت دولت و نهادهای اطلاعاتی اقدام به پخش برنامه های درون مرزی و برون مرزی با زبان های مختلف می کنند. در زمان حاضر از یک هزار و هشتصد شبکه ماهواره ای در حال فعالیت در منطقه، سیصد شبکه آن برای ترویج و تبلیغ وهابیت تولید برنامه می کنند و بیش از چهل هزار وب سایت اینترنتی به صورت شبانه روزی علیه شیعه فعال هستند. ابوخلیل، رسانه های سعودی بویژه شبکه العربیه را وسیله ای در ایجاد فتنه میان شیعیان و سنی ها برمی شمارد که با سقوط عراق صدام،

درگیری‌های فرقه‌ای لبنان، توسط عربستان سعودی و با حمایت متحدان غربی برای مقابله با تأثیر فزاینده ایران و آنچه توسط برخی تحلیل‌گران و سیاستمداران «هلال شیعی» نامیده شده، به کار گرفته می‌شود (میردهقان و شوکتی مقرب، ۱۳۹۲: ۱۷۱) آل سعود در منطقه خود را از رقابت سیاسی با ایران ناتوان می‌بیند، لذا می‌کوشد تا با استفاده از تبلیغات شبکه العربیه به تقابل با ایران بپردازد. برای نمونه جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا نقش فعالی را ایفا کرده و در لبنان، فلسطین و عراق نفوذ قابل توجهی پیدا کرده است، اما عربستان در این مناطق نفوذ چندانی ندارد، از این رو، در رسانه‌های خود از جمله شبکه العربیه علیه ایران تبلیغ می‌کنند. (موسوی و بخشی تلیایی، ۱۳۹۱: ۹۳-۸۸).

۱-۳-۴. ترویج وهابیت (دیپلماسی ایدئولوژیک)

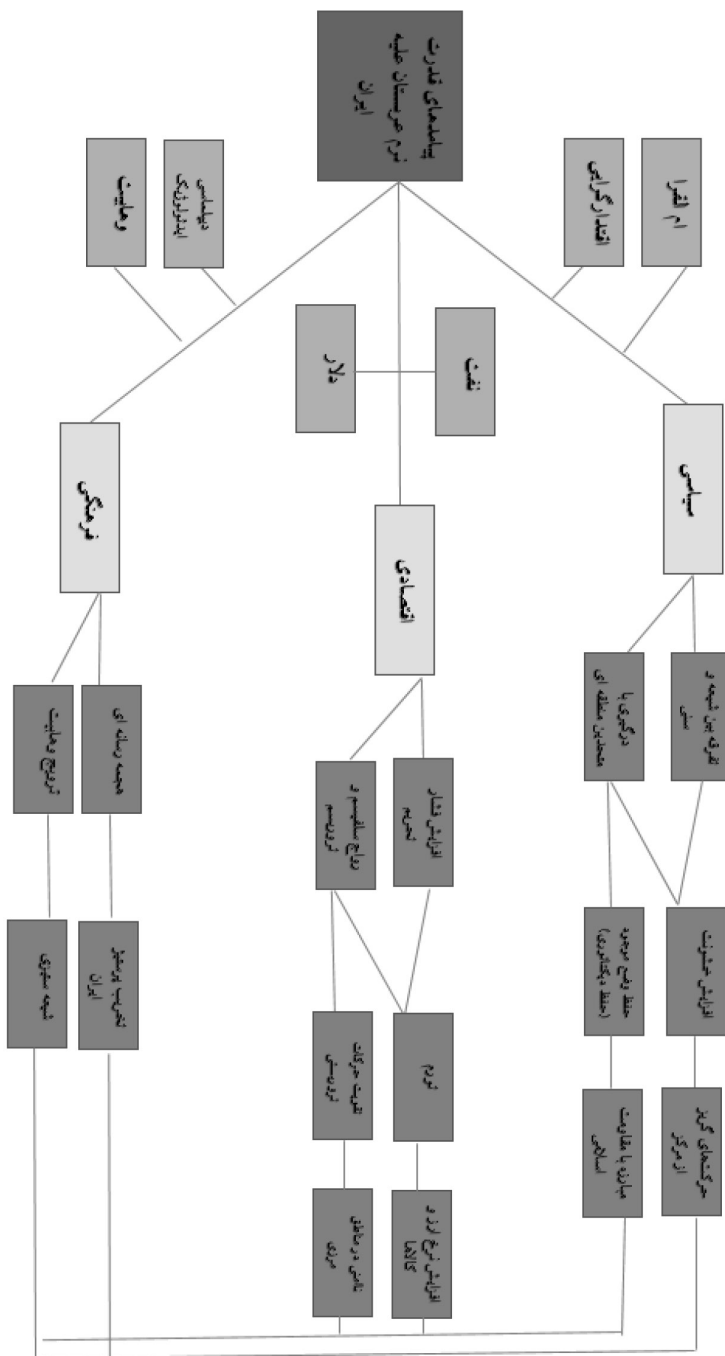
هدف راهبردی عربستان سعودی در رابطه با دیپلماسی فرهنگی در جهان اسلام ترغیب کشورهای اسلامی به پذیرش این موضوع است که آل سعود رهبری تام ژئوکالچر دنیای اسلام است و مقولمت در برابر ام‌القری (عربستان) برای آنها هزینه‌هایی را به دنبال خواهد داشت. در همین رابطه لازم به ذکر است که در مقابل مبانی معرفتی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، دیپلماسی فرهنگی عربستان تلاش کرده است با بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های گوناگون، بنیان‌ها و پایه‌های عقیدتی انقلاب اسلامی را دچار چالش نماید و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران را با توزیع کتب و جزوه‌های انحرافی خدشه دار نماید و شرایط زندگی اجتماعی و سیاسی اهل تسنن در ایران را به گونه‌ای بحرانی به تصویر بکشد. از سویی، آل سعود از طریق وهابیون تندرو، شیعه را تکفیر نموده و تلاش می‌کند تا از بین بردن و قتل و غارت شیعیان از جمله حذف فیزیکی و از میان برداشتن رهبران مذهبی آنها را عادی نماید. این تضاد با تشیع ریشه در تاریخ وهابیت دارد تا جایی در ابتدای شکل‌گیری وهابیت یکی از مواج‌های اصلی میان شیعیان و وهابیون بود. (Rundell, 2021: 16) رسانه‌هایی مجری تبلیغات سیاسی عربستان سعودی نیز در تلاش می‌کنند تا به طور روزافزونی میان شیعه و سنی از طریق مطرح ساختن موضوعاتی مانند هلال شیعی، ایجاد تفرقه نمایند و ایران را نماینده اقلیت مسلمان شیعی مذهب در برابر اکثریت سنی به رهبری عربستان معرفی نمایند. در مقابل کشورهایی که از نظر فرهنگی و سیاسی در جبهه عربستان و تحت لوای فرامین آل سعود و علمای وهابی آن عمل می‌نمایند، از مزایا و پاداش‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این کشور بهره‌مند خواهند گردید. در این رابطه می‌توان به ساختار کمک‌های عربستان اشاره نمود؛ بخش عمده‌ای از آن به (حدود ۶۰ درصد) به امور اجتماعی در کشورهای هدف اختصاص یافته که در همه کمک‌ها خانواده پادشاهی سعودی نقش آفرینان اصلی بوده‌اند. یکی از مقاصد اصلی این کمک



های ریاض، پاکستان و به طور خاص محافظه کاران تندرو در این کشور بوده است. در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ پاکستان بیش از هر کشوری، از عربستان سعودی کمک دریافت کرده است. مراکز و مساجدی که در کشورهای مختلف توسط عربستان برای گسترش وهابیت ساخته می شود، مسیری برای سرازیر نمودن کمک ها به کشورهای هدف است که نمود آن در جنوب آسیا و آسیای میانه بیش از سایر مناطق بوده است. (Yi Li, 2019: 4-9)

عربستان با استفاده از دیپلماسی فرهنگی در کشورهای آفریقایی نظیر تانزانیا و کنیا، و در غالب حمایت از مسلمانان، به تبلیغ فرقه ضاله وهابیت پرداخته و جایگاه خود را مستحکم نماید و جدای از تاثیر بر تصمیمات سازمان های اسلامی و در دست داشتن زمام شورای عالی امور مسلمانان این کشورها به همراه قدرت نرم بدست آمده از درآمدهای نفتی خود را در جهت اثر گذاری بر دولت ها نیز به کار گرفته است (عرب احمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). در واقع ترس از حضور گسترده ایران در قاره افریقا سبب شد تا پادشاه سعودی، سلمان بن عبدالعزيز دو کنفرانس در سال های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۷ را به همین منظور کنفرانس هایی را توسط عادل الجبیر وزیر خارجه این کشور اعلام نمود. آنها با تمرکز بر اهل سنت مالکی در غرب افریقا کوشیدند تا مدارس و مراکز مذهبی وهابی وابسته به خود را در کشورهای این منطقه توسعه دهند تا مانع از نفوذ ایران گردند. (Bahi, 2018: 33)

از بین همه علل مختلفی که می توان، برای گسترش نفوذ وهابیت، در کشور افغانستان در نظر گرفت، يك عامل بیش از سایرین ایفای نقش می نماید که مربوط به علمای دینی افغانستان و تحصیل آنها در مدارس دینی و دانشگاه های کشورهایی چون: پاکستان، عربستان، یمن، هند، زاهدان، و تعداد کمی نیز در مصر تحصیل می نمایند. بیشتر این مراکز، با استفاده از امکانات و هزینه های کشور عربستان تأمین می گردد (رجایی، ۱۳۸۸: ۱۷۰). به نوشته پیشگاهی فرد و قدسی اعزام مبلغان تندرو وهابی به مراکز مختلف اسلامی، دعوت از شخصیت های مذهبی و اساتید جهت سفر به عربستان و اعطای کمک هزینه ها و بورسیه های تحصیلی، کمک های مالی، تبلیغات در موسم حج و توزیع وسیع کتب و نشریات تبلیغی علیه شیعه، از جمله مهمترین اقدامات سعودی ها برای تبلیغ فرقه وهابیت در پاکستان است. در شرایط حاضر اکثر تربیت و تأمین ائمه جماعات در مساجد پاکستان توسط مدارس علمیه عربستان تأمین می گردد. فرقه «دیوبندی» که جزء مذهب حنفی و از فرقه های دارای گرایش وهابی هستند، تقریباً ۲۵ درصد از جمعیت اهل تسنن پاکستان را تشکیل می دهند (پیشگاهی فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۸۶).



نگاره شماره (۲) - پیامدهای قدرت نرم عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران

۵. نتیجه: دستاوردها

به طور کلی پیامدهای قدرت نرم عربستان علیه ایران در سه دسته اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قابل تقسیم بندی هستند. پیامدهای سیاسی قدرت نرم عربستان ناشی از دو عامل قائل شدن نقش ام القرا برای خود در سیاست خارجی و حفظ ساختار پادشاهی در عربستان به عنوان یک ارزش سیاسی قابل تحلیل هستند. به عبارت دیگر، تهدیدهایی نظیر تفرقه بین شیعه و سنی و درگیری غیر مستقیم با متحدین ایران در منطقه ناشی از ارزش های سیاسی و مطلوبیت های سیاست خارجی آل سعود است. اما شواهد نشان می دهد که به علل میزان زیاد مداخله دولت، ابزارهای مادی نیل به پیامدهای سیاسی و تأثیر تسهیل کننده سیستم بین الملل بر تهدیدها و ناچیز بودن میزان اقناع، قدرت نرم عربستان و پیامدهای سیاسی آن علیه جمهوری اسلامی ایران موفق نبوده است.

جدول شماره (۲) - سنجش نظری پیامدهای منابع سیاسی قدرت نرم عربستان

پیامدهای منابع سیاسی قدرت نرم عربستان	شکل اجرا	میزان مداخله دولت	ابزارها	میزان تأثیر پذیری از دانش	تأثیر سیستم بین الملل	میزان ادغام با اقناع	سنجش نظری	میزان موفقیت
(۱) تشدید فشار تحریم	مستقیم و غیر مستقیم	زیاد	اقتصادی و سیاسی	کم	زیاد (تسهیل کننده)	کم	رنالیسم	کم
(۲) تزریق دلار به شبکه تروریسم سلفی	مستقیم و غیر مستقیم	زیاد	اقتصادی و سیاسی	کم	زیاد (تسهیل کننده)	کم	رنالیسم	کم

منبع: نویسندگان

پیامدهای اقتصادی قدرت نرم عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران ناشی از عوامل تولید فراوان مشتقات نفتی و دیپلماسی دلار نیز قرابت کمتری با اقناع و رضایت ایران و مداخله بیش از حد دولت در این مقوله دارد. همچنین در این ارتباط جامعه مدنی و بخش خصوصی عربستان با آل سعود همکاری نمی کند. لذا منابع اقتصادی قدرت نرم عربستان بیش از آنکه متأثر از جریان دانش و اقناع و همکاری باشد از ویژگی های نظری رنالیسم تبعیت می کند و نتیجتاً ناموفق است.



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دانش های اسلامی
پژوهش های نوین جهان اسلام

۱۴۷

تحلیل گفتمان سیاسی دولت یازدهم - جمهوری اسلامی...

جدول شماره (۳) - سنجش نظری پیامدهای منابع اقتصادی قدرت نرم عربستان

پيامدهای منابع سیاسی قدرت نرم عربستان	شکل اجرا	میزان مداخله دولت	ابزارها	میزان تأثیر پذیری از دانش	تأثیر سیستم بین الملل	میزان ادغام با اقتناع	سنجش نظری	میزان موفقیت
(۱) ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی	مستقیم و غیر مستقیم	زیاد	اقتصادی و سیاسی	کم	زیاد (تسهیل کننده)	کم	رنالیسم	کم
(۲) درگیری غیر مستقیم با متحدین ایران در منطقه	مستقیم و غیر مستقیم	زیاد	اقتصادی و سیاسی	کم	زیاد تسهیل کننده)	کم	رنالیسم	کم

منبع: نویسندگان

پیامدهای فرهنگی قدرت نرم عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران که از وهابیت و قدرت رسانه ای آن ناشی می شوند، به دلیل چاشنی افراط و خشونت از مبانی قدرت نرم فاصله دارند. وهابیت به دلیل ماهیت غیر مشروع آن و هجمه های تبلیغاتی به دلیل افراط در دشمنی و رعایت نمودن اصول حرفه ای کارا و موثر نیستند.

جدول شماره (۴) - سنجش نظری پیامدهای منابع فرهنگی قدرت نرم عربستان

پيامدهای منابع سیاسی قدرت نرم عربستان	شکل اجرا	میزان مداخله دولت	ابزارها	میزان تأثیر پذیری از دانش	تأثیر سیستم بین الملل	میزان ادغام با اقتناع	سنجش نظری	میزان موفقیت
(۱) هجمه رسانه ای	مستقیم و غیر مستقیم	متوسط	اقتصادی و سیاسی	کم و متوسط	زیاد (تسهیل کننده)	کم و متوسط	رنالیسم و لیبرالیسم	کم و متوسط
(۲) ترویج وهابیت	مستقیم و غیر مستقیم	زیاد	اقتصادی و سیاسی	کم	زیاد (تسهیل کننده)	کم	رنالیسم	کم

منبع: نویسندگان



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بانی جهان اسلام
جمعیت نژادست العالم الاسلامی

۱۴۸

سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

۱. احمدیان، حسن؛ زارع، محمد، (۱۳۹۰)، «استراتژی عربستان سعودی در برابر خیزش‌های جهان عرب»، رنامه سیاست‌گذاری، تهران، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال ۲، شماره ۲، صص، ۷۵-۹۸.
۲. ارغوانی پیرسلامی، فربرز، و جهانی جوانمردی، مسلم (۱۳۹۹). دلایل و پیامدهای نظامی‌گری در سیاست داخلی و خارجی عربستان. سیاست دفاعی، ۲۸ (۱۱۱)، ۰-۰.
۳. بخشی، احمد و همکاران (۱۳۹۹). ایران و عربستان سعودی: بهره‌وری از نیروی هژمونیک ساز نفت لزوم تغییر قاعده بازی از معمای زندانی به معمای شکار گوزن. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۳ (۱)، ۷۹-۱۰۷.
۴. بیات، جلیل و اسلامی، محسن، (بی‌تا)، «ایران-عربستان؛ طرح الگوی تنش‌زدایی با محوریت مناقشات منطقه‌ای»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، صص، ۱۶۷-۱۸۵.
۵. پورحسن، ناصر، (۱۳۹۶)، «مؤلفه‌های جنگ هیبریدی عربستان علیه جمهوری اسلامی ۲۰۱۷-۲۰۱۵»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال ۸، شماره ۴، صص، ۲۷-۴۶.
۶. پیشگاه-هادیان، حمید، (۱۳۸۶)، «امنیت مرزهای شرقی ایران»، معاونت پژوهشهای سیاست خارجی/گروه مطالعات استراتژیک، صص ۱-۵.
۷. پیشگاهی فرد، زهرا و قدسی، امیر، (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، صص، ۸۱-۹۹.
۸. تریف، تری و همکاران، (۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. دادادی، رضا، (۱۳۹۲/۱۲/۲۲)، «قدرت به مثابه مشروعیت بخش دانش»، روزنامه اعتماد، شماره ۲۳۵۳.
۹. حاجی یوسفی امیرمحمد، حسینی زاده سیدمحمدعلی، محمدی احسانه (۱۳۹۷) هویت، قدرت، امنیت، جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۲.
۱۰. حافظ-نیا، محمد-رضا، و کاویانی، مراد، (۱۳۸۵)، «نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مورد: قوم بلوچ)»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان علوم انسانی جلد ۲۰، شماره ۱.
۱۱. خراسانی، رضا، (۱۳۸۷)، «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارج و تاثیر آن بر روند تحولات جهانی»، مجله علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص، ۴۷-۷۲.
۱۲. داوند، محمد و موسوی شغانی، سیدمسعود، (۱۳۹۶)، «تأثیر دیپلماسی اقتصادی پسامدرن بر تحقق اهداف اقتصاد داخلی ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۴، صص، ۱۱۳-۹۳.
۱۳. داوند، محمد؛ اسلامی محسن؛ جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۹۸)، «تحلیل تنش‌آفرینی‌های ایدئولوژیک و سیاسی عربستان سعودی در قبال راهبرد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، مجلس و راهبرد، سال ۲۶، شماره ۹۹، صص، ۹۹-۱۲۴.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۱۴. دلیرپور، پرویز، (۱۳۹۱)، «زوال قدرت نرم ایالات متحده امریکا»، مطالعات قدرت نرم، سال ۲، شماره ۷، صص، ۴۵-۶۱.
۱۵. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۷۷)، «نظریه نهادگرایی نئولیبرال و همکاری‌های بین‌المللی»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴۷، صص، ۵۸۸-۵۶۷.
۱۶. رجایی، محمدعلی، (۱۳۸۸)، «خطر گسترش وهابیت در افغانستان و راهکارهای مقابله با آن»، فصلنامه پیام مبلغ، سال ۲، شماره ۲، صص، ۱۸۸-۱۶۷.
۱۷. رحم‌دل، رضا و همکاران (۱۳۹۸). تحلیل ساختار گرایانه منازعه ایران-عربستان سعودی. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۹(۳۰)، ۲۶۵-۲۸۱.
۱۸. رضاخواه، علیرضا، (۱۳۹۴)، «تیپولوژی قدرت نرم در خاورمیانه با تأکید بر عربستان، ترکیه و قطر»، دیدگاه/سیاست و امنیت، خبرگزاری فارس.
۱۹. سعیدی، روح‌الامین و مقدم فر، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات قدرت نرم، سال ۴، شماره ۱۱، صص، ۱۲۶-۱۰۷.
۲۰. سیمر، رضا و همکاران (۱۳۹۹)، «مطالعات بنیادین و کاربرد جهان اسلام»، سال دوم، شماره ۶، ISC صص ۴۹-۷۲.
۲۱. شعبانی سارویی، رمضان، (۱۳۹۲)، «قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات قدرت نرم، سال ۲، شماره ۹، صص، ۹۸-۷۹.
۲۲. شیخ الاسلامی، محمدحسن و سرادار، حمید، (۱۳۹۱)، «الگوی مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان: مورد کاوی سازمان رابطه العالم الاسلامی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۲، شماره ۴، صص، ۱۲۸-۱۰۳.
۲۳. صادقی فسایی، س. و، عرفان منش، ا. (۱۳۹۴). مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی. مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی. راهبرد فرهنگ، ۸(۲۹)، ۹۱-۶۱.
۲۴. عرب-احمدی، (۱۳۹۱)، «سیاست‌های مداخله جویانه عربستان سعودی در کنیا، تانزانیا و اوگاندا»، نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۱، شماره ۳، صص، ۱۲۳-۱۰۱.
۲۵. عسگری، محمود، (۱۳۸۲)، «رهیافت‌های شناخت‌شناسی امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۶، شماره ۲، صص، ۴۰۳-۳۸۳.
۲۶. عیوضی، محمدرحیم و پارسا، مونا، (۱۳۹۲)، «الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۳ شماره ۹، صص، ۱۱۲-۹۹.
۲۷. فتاحی اردکانی، حسین؛ مسعودنیا، حسین؛ امام جمعه زاده، سیدجواد، (۱۳۹۷)، «تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم، هوشمند)»، مطالعات قدرت نرم، سال ۸، شماره ۱۸، صص، ۱۳۱-۱۵۲.
۲۸. قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۰) الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه، مطالعات قدرت نرم، دوره ۱، شماره ۱.
۲۹. کرمی، کامران، (۱۳۸۹)، «ارزشهای فرهنگی؛ منبعی برای قدرت نرم عربستان سعودی»، وبگاه مجازی مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۳۰. محسنی، علی؛ جاودانی مقدم، مهدی؛ حاجی، محسن، (۱۳۹۷)، «تحول پارادایمی مفهوم قدرت و امنیت در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ۸، شماره ۳، صص، ۹۹-۱۲۶.
۳۱. موسوی، سیدمحمد و بخشی تلپایی، رامین، (۱۳۹۱)، «تأثیر مسایل ایدئولوژیک بر سیاست خارجی عربستان در قبال ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین-المللی، شماره ۱۱، صص، ۶۱-۹۹.
۳۲. میردھقان، مهین‌ناز و سمیه، شوکتی مقرب، (۱۳۹۲)، «گفتمان پنهان، قدرت و رسانه در خاورمیانه عربی (مطالعه موردی: عربستان سعودی)»، فصلنامه مطالعات جهان، دوره ۳، شماره ۱، صص، ۱۴۵-۱۸۰.
۳۳. میرزایی، جلال و داوند، محمد، (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل عملکرد سازمان عفو بین‌الملل در ارتباط با رصد وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۴، شماره ۱۳، صص، ۷۱-۸۸.
۳۴. نای، جوزف، (۱۳۸۹)، قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، مترجم، سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳۵. نورمحمدی، مرتضی؛ کاظمی، حجت، (۱۳۹۴)، «جایگاه فرهنگ در تکوین ایران هراسی فرهنگی در کشورهای حوزه خلیج فارس»، پژوهشهای راهبردی سیاست، دوره ۴، شماره ۱۲، صص، ۸۷-۱۱۳.
۳۶. هرسبیج، حسین. رحیمی، رئوف (۱۳۹۱) تحلیل تطبیقی تأثیر تحولات سیاسی ۲۰۱۱ منطقه بر میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و عربستان. مطالعات قدرت نرم، پاییز و زمستان، شماره ۷.
۳۷. همتی، مرتضی و همکاران (۱۳۹۹). سیاست موازنه سازی عربستان در برابر ایران در یمن. برنامه ریزی فضایی، ۱۱۰ (پیاپی ۳۶)، ۱۰۵-۱۲۲.
۳۸. ویسی، هادی. (۱۳۹۸). واکاوی چالش‌های ژئوپلیتیکی عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر منطقه ی جنوب غرب آسیا. جغرافیا و توسعه، ۱۷ (۵۵)، ۱۷۵-۱۹۲.

ب. خارجی

2. Alvi, H. (2014). The diffusion of intra-Islamic violence and terrorism: The impact of the proliferation of Salafi/Wahhabi ideologies. Middle East Review of International Affairs (Online), 18(2), 38.
3. Bahi, R. (2018). Iran-Saudi Rivalry in Africa: Implications for Regional Stability. Middle East Policy, 25(4), 26-40.
4. Barnett, Michael and Duvall, Raymond, (2005), "Power in International Politics", International Organization, 39-57.
5. Berenskoetter, Felix, (2007), "Thinking about power", in Power in World Politics, Edited by Berenskoetter, Felix and Williams, M.J. published in the USA and Canada by Routledge.

6. Chandar, Udaya (2020). The Strange Compatriots for Over a Thousand Years. Notion Press.
7. Ghattas, Kim (2020), Black Wave: Saudi Arabia, Iran, and the Forty-Year Rivalry That Unraveled Culture, Religion, and Collective Memory in the Middle East, Henry Holt and Co. , New York.
8. Hussain, S. (2020). Analyzing media–government relations on policy issues in the semi-democratic milieu of Pakistan. Journalism, 1464884920969086.
9. Joseph S. Nye, Jr.(2004) Soft Power: The Means to Success in World Politics, New York: Public Affairs.
10. Keohane, R. O., & Martin, L. L. (2003) Institutional Theory as a Research Prograess In Elman, Progress in international relations theory: Appraising the field. MIT Press.
11. Mabon, S. (2018). Muting the trumpets of sabotage: Saudi Arabia, the US and the quest to securitize Iran. British Journal of Middle Eastern Studies, 45(5), 742-759.
12. Mabon, S. P., & Coombs, N. G. (2019). Sunni-Shi'a relations and the Iran-Saudi security dynamic.
13. Mabon, Simon (2013) Saudi Arabia and Iran: Soft Power Rivalry in the Middle East, New York: I.B. Tauris.
14. Mabon, Simon (2013) Saudi Arabia and Iran: Soft Power Rivalry in the Middle East, I.B. Tauris, New York:.
15. Malla M.W. (2021) Madrasas and Extremism. In: Lukens-Bull R., Woodward M. (eds) Handbook of Contemporary Islam and Muslim Lives. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-73653-2_50-1
16. Mason, Robert (2014). Foreign Policy in Iran and Saudi Arabia: Economics and Diplomacy in the Middle East, International Affairs, Volume 92, Issue 2.
17. Rundell, David (2021), Vision Or Mirage: Saudi Arabia at the Crossroads, I.B. Tauris, Newyork.
18. Weiler, Yuram Abdullah (2013). Shia Genocide: The United States' Role, efile.fara.gov. Access at: <https://efile.fara.gov/docs/6845-Informational-Materials-20201116-3.pdf>
19. Yetiv, S. A. (2010). Crude Awakenings: Global Oil Security and American Foreign Policy (1st ed.). Cornell University Press.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۵۲

سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

20. Yi Li (2019) Saudi Arabia's Economic Diplomacy through Foreign Aid: Dynamics, Objectives and Mode, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, 13:1, 110-122,
21. Zehraa, S., Fatima, N., & Khan, N. U. (2018). Iranian-Saudi strategic competition in the Middle East: An analysis of the Arab Spring. Liberal Arts and Social Sciences International Journal (LASSIJ), 3(1), 59-66.

ج- روزنامه ها، مجلات و خبرگزاری ها

۱. خبرگزاری العالم، (۱۳۹۴/۰۸/۳۰)، «هفت کشور اصلی حامی "داعش" از نگاه روزنامه غربی».
۲. خبرگزاری الوقت، (۱۳۹۵)، «جایگاه نفت در سیاست خارجی عربستان»، یادداشت.
۳. خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۵/۰۱/۱۸)، «جنگ نفتی بزرگ عربستان علیه ایران؛ سحری که به ساحر بازگشت».
۴. خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۷/۰۲/۱۹)، «سوء استفاده عربستان از تصمیم ترامپ؛ کمبود نفت بازار را تامین می کنیم».
۵. داوند، محمد، (۱۳۹۶)، «اهداف و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی در جهان اسلام»، خبرگزاری الوقت.
۶. روزنامه تعادل، (۱۳۹۶/۱۱/۰۴)، «نگاهی به ژئوپلیتیک جدید قدرت در غرب آسیا روابط ایران و عربستان؛ نشانه ها و ابزارها».

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۲۰۶

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

اولیایی، محمد؛ غفاری هشجین، زاهد؛ کشاورز شکری، عباس (۱۴۰۰)، «پیامدهای قدرت نرم عربستان سعودی برای جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۲، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۵۳-۱۲۷.

